

وقتی یک جامعه خودشیفته است.

- وقتی یک جامعه خودشیفته است، بهتر است که در خصوص خودشیفتگی اطلاعاتی داشته باشیم که هم خود، هم فرزندان و هم رابطه خود را حفظ کنیم.
- وقتی در محیط کار مساله‌ای دارید و به جای حل مساله، کل مساله را حذف کرده و محیط را ترک می‌کنید، رفتاری از روی خودشیفتگی انجام داده‌اید. رفتاری که متاسفانه در جامعه خودشیفته کاملاً به بهانه‌های مختلف از جمله نداشتن وقت و... پذیرفته شده است.
- دو مفهوم **فردگرایی و تفرد** (فردیت خویش را محقق ساختن) با هم متفاوت است. این تفکر که فرد تنها به دنبال رشد خود بوده و رشد دیگران را در نظر نگیرد، محصول یک جامعه خودشیفته است که به کسانی که انفرادی ارتفاع می‌گیرند، پاداش می‌دهد.
- در مدرسه‌ای که نظام ارزش‌گذاری بچه‌ها تنها بر اساس IQ بوده و به شیوه‌های حل مساله، ارتباط بهتر با دیگران و ویژگی‌های تربیتی اهمیت داده نشود، تعداد کمی از دانش‌آموزان خودشیفته تربیت شده و بقیه برچسب خودکم‌بینی خواهند گرفت. در چنین جامعه‌ای، همه با هم می‌بازند.
- باید دقت کرد در جامعه خودشیفته، هر چقدر فرد بر روی خودشیفتگی خود کار کند، جامعه به او فشار آورده که به حالت قبل برگردد. زیرا همه تنها در حال دفاع از خود و حمله به دیگری هستند و یک چرخه معیوب وجود دارد. پس بهتر است اطرافیان خود را نیز به بهبود دعوت کنیم.
- **نگاه سیستمیک** در جامعه به ما می‌آموزد که دسته‌جمعی برای رفع مشکلات باید تلاش کرد و نه فردی.